



سخن سردبیر

شماره ۳۹ مجله تاریخ علم، با تأخیری ناخواسته، به دست علاقه‌مندان و پژوهش‌گران می‌رسد. تأخیری که زائیده شرایط دشوار این روزهای ایران است. در ماه‌های اخیر، مشکلات متناوب زیرساخت‌های ارتباطی و اینترنتی، همکاری با داوران گرامی را با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخت. بسیاری از همکاران محترم داور، خود درگیر مشکلات فنی و معیشتی بودند و بازخورد ارزیابی‌ها با کندی بی‌سابقه‌ای همراه شد. با این حال، ما در هیئت تحریریه، مصمم بودیم که اجازه ندهیم این موانع موقت، کار مجله را متوقف کند.

باور داریم که کار علمی، هیچ‌گاه نباید اسیر شرایط بیرونی شود. تاریخ گواه است که در تاریک‌ترین برهه‌های این سرزمین، چراغ دانش فروزان‌تر هم می‌شده است. در روزگار یورش ویرانگر مغولان و حتی پس از آن، دانشمندی همچون خواجه نصیرالدین طوسی در استحکامات الموت و مراغه، مهم‌ترین آثار علمی دوران را می‌نوشتند. آنان نه منتظر آرامش ماندند و نه با بهانه‌های روز، قلم به زمین گذاشتند. دانشگاه‌های ایران امروز نیز میراث‌دار همان روحیه‌اند: زنده، پویا و مصمم به پیشبرد مرزهای دانش، علی‌رغم همه نامالیقات.

شماره پیش رو، حاصل همین اراده است. در این مجموعه، مقالاتی می‌خوانید که هر یک از زوایای به نسبت علم و تاریخ در دوران اسلامی و ایران معاصر می‌پردازند.

بخش پژوهشی این شماره شامل مقاله‌ای وزین از دکتر یونس کرامتی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم، است که به بررسی تاریخ رصدگری تا سده ۴ قمری بر پایه زیج حاکمی کبیر ابن یونس مصری می‌پردازد. این مقاله در نوع خود بی‌نظیر است؛ چرا که ابن یونس در این اثر، برخلاف بسیاری از منجمان سلف خود، جزئیات دقیقی از رصدهای پیشینیان و معاصرانش را ثبت کرده است. اهمیت این پژوهش در آن است که داده‌های منحصر به فردی درباره رصدگران کمتر شناخته‌شده‌ای چون خاندان اماجور و احمد نهبوندی ارائه می‌دهد و افسانه‌های مربوط به رصدخانه‌های دولتی مجهز در آن دوران را با نگاهی نقادانه بازخوانی می‌کند. دقت ابن یونس در ثبت گرفت‌های ماه و خورشید، چنان است که حتی در سده هجدهم میلادی نیز برای محاسبات نجومی



مدرن مورد استفاده قرار گرفت. این مقاله نه تنها بازخوانی متنی، بلکه بازسازی دقیقی از سنت رصدی در تمدن اسلامی است.

در ادامه این مسیر پژوهشی، به دورانی نزدیک‌تر می‌آییم؛ جایی که محمد معصومی، پژوهشگر پرکار تاریخ علم، در مقاله‌ای با عنوان «پاس خدمت داروین»، به بررسی زندگی علمی دکتر محمود بهزاد و ورود نظریه تکامل به ایران می‌پردازد. این مقاله بر پایه یک نسخه دست‌نویس نویافته از نخستین کتاب بهزاد نگاشته شده و فراتر از یک بیوگرافی ساده، به لایه‌های جامعه‌شناختی علم در ایران معاصر نفوذ می‌کند. نویسنده با بررسی واکنش‌های موافق و مخالف به نظریه داروین در بستر تاریخی ایران، نشان می‌دهد که چگونه یک ایده علمی در برخورد با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، مسیر خود را باز می‌کند.

در کنار این دو، این شماره شامل مقالاتی است که به نسبت علم با صنعت و هنر در طول تاریخ می‌پردازند. مقاله‌ای به بررسی تأثیر دانش فلزکاری بر طراحی ابزارهای نجومی در دوره صفویه اختصاص دارد و مقاله دیگر، پیوند میان دانش پرسپکتیو و معماری در ایران قرون میانه را کالبدشکافی می‌کند. این مطالعات نشان می‌دهند که مرز میان «علم ناب» و «فن» و «هنر» همواره در تمدن ما سیال و پربار بوده است.

همچنین در این شماره، چند مقاله با رویکرد ترویجی گنجانده‌ایم. اگرچه این مقالات ممکن است حاوی یافته‌های کاملاً نو و بدیع برای متخصصان تاریخ علم نباشند، اما از آن رو ارزشمندند که دانش تولیدشده در حوزه تاریخ علم را به زبانی قابل فهم و مرتب برای مخاطبان عمومی و علاقه‌مندان غیرمتخصص عرضه می‌کنند. باور داریم که رسالت مجله علمی تنها گفتگو با متخصصان نیست؛ بلکه گسترش مرزهای دانش به درون جامعه، آشنایی نسل جوان با میراث علمی ایران‌زمین، و نشان دادن پیوند تاریخ علم با زندگی روزمره نیز وظیفه‌ای خطیر است. امیدواریم این مقالات ترویجی، در پژوهشکده تاریخ علم را به روی خوانندگان تازه بگشاید.

در پایان، جا دارد از همه داوران گرانقدر که با وجود مشکلات فراوان، زمانی را برای ارزیابی مقالات اختصاص دادند، صمیمانه سپاسگزاری کنم، نیز از نویسندگان نشریه که با صبوری چشم به راه ماندند و از تیم فنی که در بحران اینترنت، کار را رها نکردند، تشکر می‌کنیم.

امیرمحمد گمینی

پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

بهار ۱۴۰۵